

دکتر مهدی طاهرخانی
بخش علوم جغرافیایی و سنجش از دور
دانشگاه تربیت مدرس
شماره مقاله: ۵۱۹

تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا / شهری

M.Taherkhani, ph.D
Tarbiat Modares University

An Analysis of the Determinants of Rural-to-Urban Migrations (New Directions and Issues)

Rural migration research has concentrated primarily on examining why people migrate and which factors influence their decision to migrate. Although both economic and non-economic factors are recognized as playing a role in migrants' decision-making process, the relative influence of these factors varies from person to person, since migrants comprise an assortment of individuals of different backgrounds. The desire to translate the rural migration phenomenon into concrete theoretical and empirical models seems necessary in order to provide a better understanding of migrants' behaviour. This paper tries to explain traditional and new theory of rural migration.

Keywords : Rural Migration ,Psychic Costs ,Net Sender of Migrants , Bright Light Theory

خلاصه

تحقیقات انجام شده در خصوص مهاجرت روستاییان به شهرها عمدتاً بر آن است تا تبیین کند که چرا روستاییان مهاجرت می‌کنند و عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری آنان برای مهاجرت

چيست. اگر چه عوامل اقتصادی و غير اقتصادی به طور هماهنگ در ايجاد انگيزه مهاجرت های روستا / شهری مؤثرند اما بی تردید در فرایند تصمیم گیری برای مهاجرت، به طور نسبی عوامل تأثیرگذار در اشخاص و از مناطق گوناگون کاملاً متفاوت است چراکه مهاجران طیف گسترده ای از افراد و قشرها را تشکیل می دهند که زمینه های متفاوتی برای مهاجرت دارند. توجه به مدل های نظری و تجربی مرتبط با مهاجرت های روستا / شهری در جهت درک بهتر الگوی رفتاری مهاجران ضرورت دارد. این مقاله می کوشد تا نظریه های سنتی و جدید مهاجرت های روستایی را تبیین کند.

مقدمه

در سراسر جهان به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم - مهاجرت های روستایی به عنوان پدیده ای جمعیتی در عرصه های بین المللی مطرح شد. اگر چه شیوع این پدیده در آغاز طبیعی بود، بعد از گذشت چند دهه به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای در حال توسعه، غیر طبیعی تلقی شد. ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب گردید تا روستاییان برای به دست آوردن فرصت های بهتر به مناطق شهری مهاجرت کنند. گریزناپذیری مهاجرت به ویژه در میان اقشار دانش آموخته به عنوان فرار مغزهای روستایی تعبیر شد. لذا مهاجرت برای کسب موفقیت نتیجه منطقی این شعار شد: «شما بازنده خواهید بود؛ اگر روستا را ترک نکنید». بدین ترتیب به نظر می رسد ارزش های سنتی اجتماعات کوچک روستایی با منطق سادگی و بی پیرایگی، در مقایسه با فرهنگ مناطق شهری رخ می یازد و مهاجرت به عنوان یکی از پیامدهای آن تظاهر می یابد. عبارت هایی چون نداشتن آینده و نبود فرصتها که در نظرات کوچندگان روستایی مشهود است بر این واقعیت تأکید دارد که در جهت حل مشکل مهاجرت باید با پارادایم جدیدی به مناطق روستایی نگریست.

عوامل مؤثر در مهاجرت های روستا/ شهری

در قدیم ترین آثار مرتبط با شناخت عوامل مؤثر در مهاجرت های روستا/ شهری، آموزش همگانی، و انجام خدمت نظام به عنوان دلایل اصلی مهاجرت طرح می شوند به طوری که

گوستا و لوبون Gustave le bon نویسنده فرانسوی در کتاب روانشناسی توده‌ها می‌گوید:

اگر آموزش و پرورش ما تنها بی‌فایده بود می‌توانستیم به حال بچه‌های بدبخت اکتفا کنیم اما آموزش و پرورش متضمن خطر بسیار جدی‌تری است. کسانی که آموزش می‌بینند نسبت به شرایطی که در آن متولد شده‌اند نفرت شدید پیدا می‌کنند و در پی فرار از آن برمی‌آیند.

در همان زمان لوسین رومیه Lucien Romier وزیر فرانسوی معتقد است: چگونه می‌توان زیادی آموزش و نارسایی‌هایی را که برای کودکان روستایی دارد شرح داد. آموزشی که ما به فرزندان زمین می‌دهیم منجر می‌شود که آنان خود را حقیر شمارند، از اصل و نسب خویش بیزار شوند و آزادی خویش را قدر نشناسند، چیزی که به آن‌ها جز ستایش مسایل بیگانه با محیط را نمی‌آموزد.» (پتیه، ژان، ۱۳۶۹: ۳۴)

امیل مانسوا Emil Manceau ملین Mellin و برتیلون Bertillon با طرح خدمت نظام به عنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرت‌های روستا / شهری معتقدند: بطالنتی که برای ارتشیان در دوره خدمت زیرپرچم فراهم می‌شود آنها را فاسد و سست می‌کند. اگر روستاها خالی از جمعیت می‌شود برای این است که روستائیان در لباس ارتشی عادات سختکوشی طبقه اجتماعی خود را از دست می‌دهند «امیل مانسوا»

از آن زمانی که خدمت نظام وظیفه عمومی روستازادگان را به پادگانهای شهری کشاند، شدت مهاجرت دو برابر شده است «ملین ۱۹۰۵»

همچنین «بریتون» یکی از عوامل اصلی مهاجرت روستائیان به شهرها را خدمت نظام می‌دانست و معتقد بود: سرباز روستایی طعم جذاب کافه و کنسرتها و دیگر اماکن تفریحی را می‌چشد تا جایی که دیگر نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند (پتیه، ژان، ۱۳۶۹: ۳۶) هنری کلمان Henry Kelmen آشنایی با شهر و دوری جستن از خداوند را عامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا / شهری می‌داند و معتقد است: از دست دادن اعتقادات دینی عامل مستقیم مهاجرت‌های روستایی است پس بایستی دوباره این اعتقاد را به زندگی افراد بازگرداند (پتیه، ژان، ۱۳۶۹: ۳۷) بررسی نوشته‌های مربوط به اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه ۶۰ که در آثار لوییس، تودارو، فی ورائیس، هاریس و استیگلتز Stiglitz مشهود است، دلایل اساسی مهاجرت‌های روستا / شهری را به ساختارهای اقتصادی مرتبط می‌سازند. نوشته‌های آن دوره که ارجاعات عمده در مطالعات

اخیر نیز بوده است با تأکید بر سیاست‌های تعادل‌های منطقه‌ای، مهاجرت را ناشی از عدم تعادل میان مناطق مختلف می‌دانند چنان‌که گری. ال. هانت در مقاله خود با عنوان «تعادل و عدم تعادل در مدل‌سازی مهاجرت» معتقد است: در بسیاری از مفاهیم اساسی مهاجرت توجه به دو واژه تعادل و عدم تعادل بسیار حائز اهمیت است. تئوریهای عدم تعادل، مهاجرت را ناشی از عدم تعادل بین مناطق می‌داند. در این مدل فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی، منجر به بروز تواناییهای فضایی متفاوتی در سطح مناطق می‌گردد، بنابراین مهاجرت پاسخی به این تفاوت‌ها است. بر این مبنا افراد مهاجر مناطقی را جستجو می‌کنند که دارای بازارکار مناسب با نرخ بالای دستمزد هستند؛ لذا مناطقی که دارای کمترین خطر و ریسک بیکاری می‌باشند مورد توجه آنان قرار می‌گیرد. پس مهاجرت تابعی از تفاوت بین نرخ واقعی دستمزدها، اشتغال و یا بیکاری است.

تفاوت‌های فضایی توسط گراوز Gravse بعنوان «مدل‌های عدم تعادل» معرفی شده است. هانت آنگاه به شرح مدل‌های تعادل می‌پردازد و طرح می‌کند که:

در برابر مدل‌های عدم تعادل، مدل‌های تعادل مطرح هستند. در طی پنجاه سال گذشته مدل‌هایی به سرعت گسترش یافته‌اند که تفاوت در برخورداری از تسهیلات رفاهی را عامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/ شهری می‌دانند. در این بینش فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی تماماً و یا در مقیاس وسیعی توسط تفاوت‌های فضایی در برخورداری از تسهیلات رفاهی مناطق قابل توجه است. در مدل تعادل، مهاجرت منتج از تغییرات تقاضا در جهت استفاده از تسهیلات رفاهی است. لذا تغییرات در تقاضا و عرضه امکانات رفاهی یا عواملی نظیر افزایش درآمدهای واقعی منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردند (Hunt.L.Gary, 1993: 342).

بوگ Bogue با طرح مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا/ شهری معتقد است دو گروه از عوامل شامل عوامل کشش Pull factors و عوامل فشار Push factors در مهاجرت‌های روستا/ شهری مؤثر هستند. وی معتقد است عوامل کشش یا جاذبه‌ها عمدتاً فرصت‌های شغلی بهتر، فرصت‌های مناسب جهت کسب درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی و جاذب، فعالیت‌های فرهنگی، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار و زندگی، چون مسکن و

خدمات آموزشی، و سرانجام فرصت‌های مطلوب جهت دست‌یابی به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای چون تحصیل در مراکز آموزشی را دربر می‌گیرد که عمدتاً در شهرها متمرکزند.

همچنین وی معتقد است پاره‌ای از عوامل فشار یا دافعه‌ها نیز سبب جدایی جمعیت از روستاها و جذب آنان به شهرها می‌گردند. عواملی چون: (۱) کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی؛ (۲) مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد محدودیت‌های شغلی در بخش کشاورزی؛ (۳) نبود بستر مناسب جهت رشد خلاقیت‌های فردی، رشد شخصیت، ازدواج، اشتغال (۴) بروز مستمر حوادث طبیعی شامل سیل، خشکسالی‌ها، زلزله؛ (۵) وجود روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز از مهم‌ترین دلایل دافعه جهت ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی محسوب می‌شوند (سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، ۱۳۷۷: ۳۷). در همان حال بیپلاب داسکوپتا در مقاله تحلیلی و جامع خود با عنوان «مهاجرت‌های روستا/ شهری و توسعه روستایی» معتقد است که مهاجرت «ارمغان فقر Gift from the poor» در مناطق روستایی است. در این خصوص وی معتقد است که «مؤنث سازی Feminization» و «سالخورده‌سازی Senilization» از پیامدهای مهاجرت‌های روستا/ شهری است (Dasgupta, Biplab, 1981:44-6).

ریچارد ای. بیلزویبارو Richard E. Bilsorrow ضمن تحلیل عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی در کشور چین معتقد است: مهاجرت در دسته‌های بزرگ جمعیتی پدیده عمده دنیای معاصر ماست. عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسی در ایجاد مهاجرت‌های روستایی بسیار تأثیر دارند اما شاید مهاجرت برای کسب «زندگی بهتر Better life» مهمترین دلیل برای مهاجرت‌های روستا/ شهری است و پیش‌بینی می‌شود که همچنان داشته باشد.

وی در ادامه تصریح می‌کند که به‌طور سنتی بیشتر مطالعات انجام شده، مدل‌های اقتصادی را جهت توجیه دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری مورد توجه قرار داده‌اند. در این مدل، مهاجرت ناشی از تفاوت‌های شغلی-درآمدی و سطوح امنیتی بین مناطق شهری و روستایی است. از این دیدگاه تفاوت‌های موجود در شرایط اقتصادی-اجتماعی، تسهیلات، هنجارها، پیشینه مهاجرت‌ها و دسترسی به مراکز شهری می‌توانند از جمله دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری محسوب شوند.

به لحاظ مدل اقتصاد کلان، بیلزبارو مهاجرت را نوعی «انتخاب فردی (Individual choice)» تلقی می‌کند. وی معتقد است که افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که انتظارها جهت کسب منافع اقتصادی بر هزینه‌های آن پیشی گیرد. مطابق با این دستورالعمل مهاجرت ممکن است به‌عنوان ذهنیتی تلقی گردد که فرد در جهت کسب منافع بیشتر بدان می‌پردازد. لذا در این بینش ویژگی‌های فردی چون، سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش، و نوع شغل، می‌توانند در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع شوند (Bilsborrow.E.Richard, 1996: 160-162). در تبیین دلایل تأثیرگذار بر مهاجرت‌های روستا/ شهری گروهی چون جان. او. اوکو با مطالعات خود بر روی جوامع روستایی در کشورهای آفریقایی مهاجرت را امری «اجباری و از روی ناچاری (distress migration)» و به‌عنوان «آخرین چاره (Last resort)» قلمداد می‌کند، جایی که خانوار تمام امید خود را برای بقا از دست می‌دهد و چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌بیند (O.Oucho.john, 1996: 102). بررسی‌های موردی انجام شده در باب دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری در پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه مشابهت‌های یکسانی را نشان می‌دهد به‌طوری که آلفردو ای لّتس (Alferdo E.lattes) مهاجرت‌های روستایی در آرژانتین را ناشی از کاهش تولید برای صادرات، رکود اقتصادی کشور، سیستم مالکیت اراضی، فناوری ضعیف مناطق محروم و بهره‌وری اندک تولید در جوامع روستایی قلمداد می‌کند (Lattes.E.Alfredo, 1981: 109).

جی. ز. هولزر و همکاران (J.Z.Holzer & al) با بررسی دلایل مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی در کشور لهستان معتقد است که مهاجرت‌های داخلی در این کشور به میزان قابل توجهی متأثر از فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است به‌طوری‌که در طی این برنامه‌ها ساختار جدیدی شکل یافت که منجر به تغییر و تحولات در ساخت اشتغال در این کشور گردید. کاهش سهم اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش سهم اشتغال در بخش صنعت منجر به ایجاد حرکت‌های وسیع جمعیتی در خلال سال‌های ۷۰-۱۹۵۱ گردید به‌طوری‌که در حدود ۲/۵ میلیون نفر از بخش کشاورزی به مشاغل غیرکشاورزی منتقل گردیدند. در این بین بیشترین مهاجران را افراد گروه‌های سنی بین ۱۸-۳۹ سال تشکیل می‌دادند (Holzer.J.Z. & al, 1981: 182). در بررسی‌های موردی در پاره‌ای از مناطق روستایی مکزیک در ناحیه «توکسی (Toxi)» که توسط لوردس آریزپ (Lourdes Arizpe) انجام گرفته است، سطح بالای بیکاری، ارائه تصویر

نادرست از مشاغل سنتی، شرایط نامتوازن در سیستم‌های مبادله به‌خصوص جهت فرآورده‌های کشاورزی، مالیات‌ها، و ادغام در بازارهای ملی، از مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری محسوب شده‌اند (Arizpe, Lourdes, 1981:205).

همچنین بریگیدا گارسیا Brigida Garcia دیگر محقق مکزیکی در بررسی‌های خود ضمن تأیید یافته‌های لورس آریزب معتقد است که به علت ناکافی بودن دستمزدهای روستایی و پیشی گرفتن هزینه‌ها بر درآمدها، و نیز ویژگی‌های فردی و اجتماعی چون مکان سکونت و ساخت قومی و قبیله‌ای- مهاجرت‌های روستا/ شهری تشدید یافته‌اند (Garcia Brigida, 1981:235).

براون Brown در سال ۱۹۸۷، دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری در کشور ونزوئلا را مرتبط با تفاوت‌های منطقه‌ای دانسته و معتقد است که سطوح متفاوت توسعه یافتگی بین مناطق می‌تواند منجر به ایجاد مهاجرت‌های روستا/ شهری یعنی مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته‌تر گردد.

در تأیید این ادعا دین ونک و همکاران Deenan wenk & al معتقدند که بیشتر مطالعات مربوط به بررسی دلایل مهاجرت‌های روستا/ شهری نشان می‌دهند که مهاجران روستایی از مناطق با شرایط نامناسب به مناطق با شرایط بهینه مهاجرت می‌کنند. از این منظر ایجاد احساس نارضایتی منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردد. بدین منظور مشاهده می‌شود که در خلال سال‌های ۹۰-۱۹۸۹ در آمریکا به تصویب ۱/۵ میلیون نفر سکنه شهرهای کوچک، در سنن ۱۵ سالگی و بالاتر به شهرهای بزرگ مهاجرت نموده‌اند. درآمد سالانه حدود یک سوم این مهاجران کمتر از ۵ هزار دلار بوده و بیش از یک پنجم آنان در سن ۱۵ تا ۲۹ سالگی قرار داشته‌اند. آنان با تأکید بر «مدلهای سرمایه انسانی Human Capital Models» معتقدند که مهاجران عمدتاً به مناطق توسعه یافته جذب می‌شوند لذا وجود منافع اجتماعی- اقتصادی و اصلاح شرایط اقتصادی فرد از مهم‌ترین انگیزه‌های مهاجرت محسوب می‌شود (Wenk, Deenan & al, 1993:77).

آندره راجرز و جیمز ریمر Andrei Rogers & James Raymer در مقاله‌ای تحت عنوان «تمرکز فضایی جریان‌های مهاجرتی بین ایالت‌ها در آمریکا» دلایل اساسی مهاجرت‌های روستا/ شهری را مرتبط با «تمرکز فضایی Spatial Focus» دانسته و معتقدند که تمرکز فضایی که به شکل عدم

تبادل‌های منطقه‌ای بین دو ناحیه مبدأ و مقصد ظهور می‌یابد نقش عمده‌ای در مهاجرت روستاییان به شهرها دارد. در این تعریف ضریب جینی به عنوان شاخص عدم تعادل درآمد محسوب می‌شود (Rogers, Andrei, Raymer, James, 1998: 65).

اچ. چارنی H. Charney با تأیید این ادعا که سطوح متفاوت درآمد و رفاه بین مناطق از عوامل اساسی در مهاجرت‌های روستا/شهری است معتقد است که مطالعات مربوط به مهاجرت‌های روستا/شهری نشان می‌دهد که گروه‌های کم درآمد روستایی سعی می‌کنند که به اشکال مختلف جذب مناطق توسعه یافته‌تر شوند به طوری که به گواهی تحقیقات رابطه معناداری بین کسب رفاه بیشتر و مهاجرت‌های روستا/شهری وجود دارد. لذا از دیدگاه چارنی مهاجرت پاسخی به سطح متفاوت رفاه در مناطق مختلف است (Charney, H., 1993: 323).

در تبیین دلایل مهاجرت‌های روستا/شهری و در نظریه‌های اقتصاد سنتی بر نقش چالش‌های بین منطقه‌ای با ملاحظه نیروی کار و تأثیر آن در مهاجرت‌های روستا/شهری بیشترین تأکید بوده است. یکی از مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه که برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ توسط گرین وود Green Wood صورت پذیرفت بسیار حائز اهمیت است.

هنری. دبلیو. هرزوغ Henry . W. Herzog در این باره می‌گوید:

اگرچه عوامل متعددی در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع می‌شوند مع ذالک دو عامل کلیدی درآمد و اشتغال بیش از دیگر عوامل بر روند مهاجرت‌های روستایی تأثیرگذاراند.

لذا از دیدگاه هرزوغ هر مطالعه‌ای در باب شناخت عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/شهری لازم است دو عامل ذیل را مورد توجه قرار دهد:

۱) عامل درآمد

۲) عامل اشتغال و بیکاری

در تحقیقات «هرزوغ» «مهاجرت به عنوان جستجوی فضایی کار - Migration as a Spatiot job Search» مطرح است. در این مدل فرض می‌شود که افراد به علت کاهش درآمدهای خود و به واسطه «هزینه‌های فرصت» اقدام به مهاجرت می‌کنند. این شرایط به خصوص برای افراد بیکار بیشتر معنا می‌یابد.

همچنین در این مدل افراد بیکار از طریق جستجوی کار سعی در به دست آوردن شغل مناسب

دارند. هرزوک معتقد است سابق Saban در سال ۱۹۶۴ اولین کسی است که ثابت می‌کند بیکاری افراد، احتمال مهاجرت را در مقایسه با افراد دارای کار بیشتر می‌کند.

وی اثبات می‌کند که دلایل عمده مهاجرت‌ها در سال ۱۹۶۲ در میان روستاییان آمریکا، نزدیک به ۷۰ درصد «مرتبط با کار (Work-related reason)» بوده است (Herzog.W.Henry & al, 1993: 328).

استیگلیتز Stiglitz در این خصوص معتقد است: اگر مهاجرت را به عنوان مکانیزم تعادل بخش بدانیم در آن صورت می‌توان انتظار داشت که وقتی تعداد بیکاران افزایش می‌یابد - مهاجرت نیز همگام با آن از روندی افزایشی برخوردار شود.

با چنین نگرشی، مهاجرت‌های روستایی عمدتاً به دلیل نبود فرصت‌های شغلی در روستا و دسترسی به شغل و نیز دستیابی به درآمدهای انتظاری در شهر و منافع ناشی از آن صورت می‌گیرد. بر پایه این دیدگاه مهاجرت تابعی از عوامل اقتصادی است (Shefer.Daniel, 1993: 135).

فاصله بین مبدأ و مقصد، توانایی‌های مهاجر، ویژگی‌های شخصی چون سن، جنس، و سطح تحصیلات، در مهاجرت‌های روستا/ شهری مؤثر واقع می‌شوند. شکل ۱ مبین این تأثیرات است.

«فاصله» به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر، هم از جهت فیزیکی شامل فاصله بین مبدأ و مقصد مرتبط با هزینه‌های حمل و نقل (هزینه‌های مستقیم مالی) و هم از جهت «هزینه‌های روحی - روانی» (Psychic Costs) (هزینه‌های غیرمستقیم یا غیرمالی) می‌تواند تأثیرگذار باشند.

در بررسی متون مرتبط با عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا/ شهری می‌توان علل متعدد دیگری را شناسایی کرد. برای نمونه راهودا Rahoda (۱۹۸۶)، توزیع نابرابر زمین، میزان دسترسی به شهر و تجاری شدن کشاورزی را از عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/ شهری می‌داند.

ساهوتا Sahota (۱۹۶۹) در برزیل بر نقش تراکم جمعیت و میزان درآمد سرانه در مهاجرت جوانان روستایی تأکید دارد و سرانجام شاکلا Shakla (۱۹۷۶) در هند به تفاوت درآمد روستا و شهر به عنوان عامل مهاجرت اشاره می‌کند (فروهیده. مهروش، ۱۳۷۳: ۱۵).

سی - مینگ لی Si-ming.Li و همکاران با الهام از نظرات «زلیسنگی Zelinsky» (۱۹۷۱) مهاجرت را

وابسته به سطح نوسازی جامعه دانسته و معتقدند که حجم مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری با توسعه یافتگی کشور افزایش می‌یابد (Si-Ming.Li.&ai,1997:63).

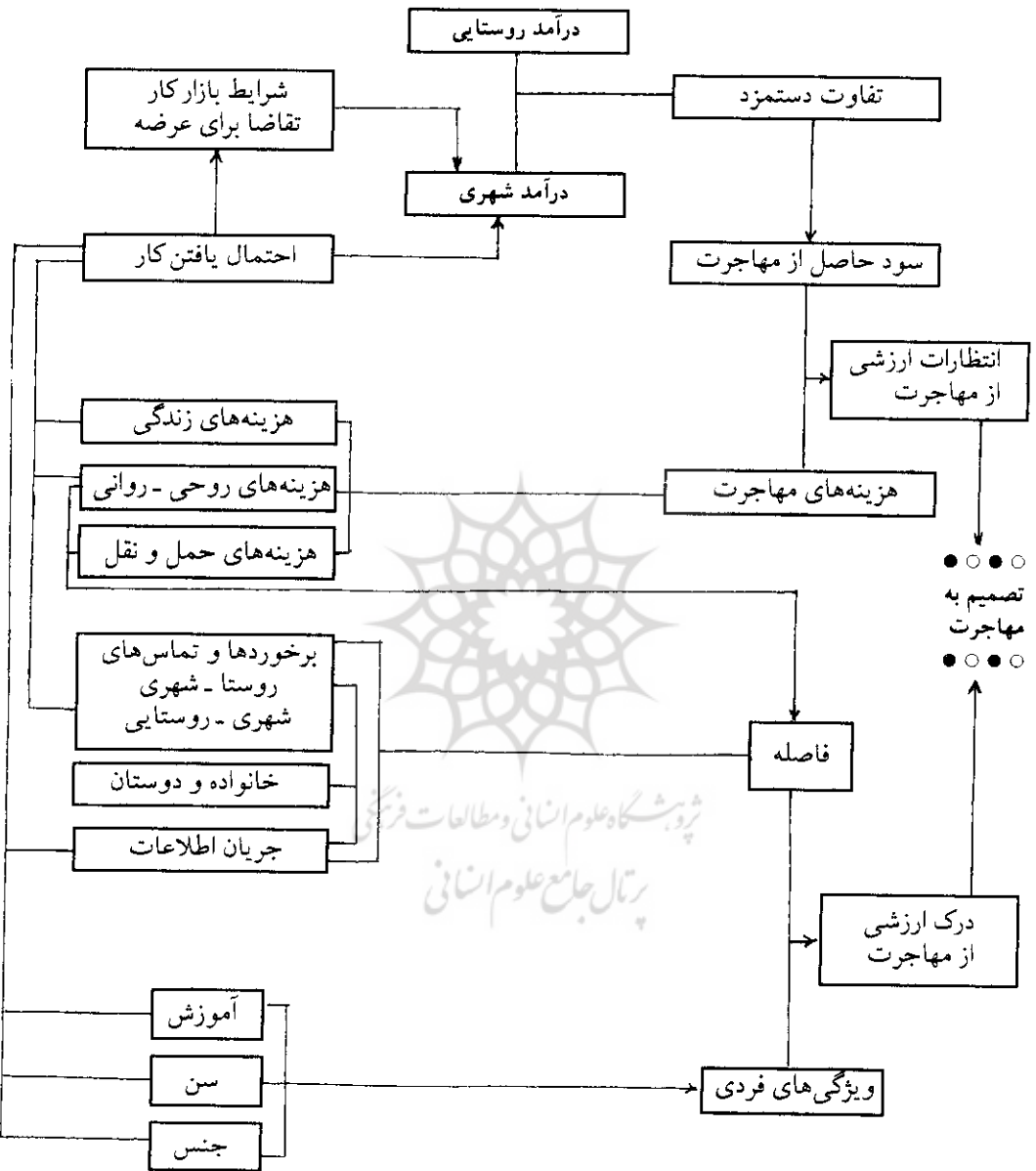
در همان حال رجینا.ام.بورس Regina.M.Bures با تأکید بر الگوی مهاجرت روستا/شهری معتقد است که مهاجرت همواره در دو نسل به وقوع می‌پیوندد. اول جوانان که عمدتاً از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت می‌کنند و دوم سالخورده‌گان و افراد بازنشسته که «مهاجرت معکوس» را تجربه می‌کند. به اعتقاد «بورس» مهاجرت جوانان عمدتاً تابع عوامل اقتصادی و باهدف جستجوی کار است (Burse.M.Regina,1997:110).

ویل.بویل Paul Boyle و جیانفا.شن Jianfa shen با الهام از نظرات نئوکلاسیک، مهاجرت را عامل ایجادکننده تعادل بین شهر و روستا می‌دانند و معتقدند که بنابه تحقیقات اخیر نیز وجود بیکاری در مناطق روستایی عامل تشدیدکننده مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها است (Boyle.Paul & Shen.Jianfa,1997:227).

آر.پل.شاو R.Paul Shaw با تأکید بر دیدگاه پترسون Peterson معتقد است که ماهیت انسان‌ها، دولت‌ها و هنجارها به همراه میل به رایبه رفتارهای جمعی که مصادیق آن به ترتیب در فشارهای اکولوژیک، سیاست‌های مهاجرتی دولت، انگیزه‌های تعالی بخش و جنبش‌های اجتماعی تجلی می‌یابد می‌تواند در مهاجرت‌های روستا/شهری مؤثر واقع شود. وی آنگاه به تبیین ارزش‌های فردی و سطح انتظارهای فرد از جامعه و مکان مورد سکونت آن پرداخته و معتقد است که ارزیابی فرد مهاجر از وضعیت سکونتگاه خویش از عوامل اساسی تصمیم‌ساز برای مهاجرت مطابق شکل ۲ است (Shaw R.Paul, 1975:6).

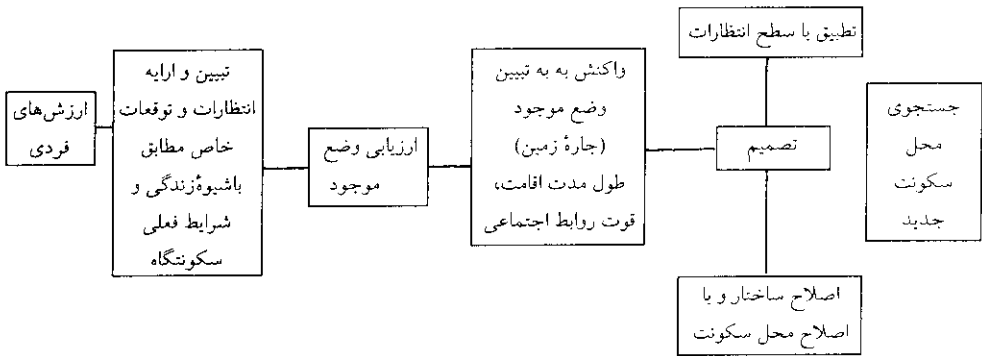
فنگ وانگ Feng wang در مقاله‌ای با عنوان «شناخت مهاجرت‌های روستایی در چین» معتقد است که شکاف‌های موجود میان مناطق شهری و روستایی از عوامل اساسی جریان‌های مهاجرتی از روستاها به شهرها است. وی آنگاه خصوصیات مهاجران را به ۵ طبقه تقسیم می‌کند (Wang.Feng,1999:3-5):

- ۱) حضور در مشاغل حاشیه‌ای و مستقل که عمدتاً دارای دستمزدهای اندک و متغیر است؛
- ۲) درآمد کم و فقیرانه؛
- ۳) مسکن موقتی؛



شکل ۱ نمودار عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری برای مهاجرت

Source: Daniel.Shefer , "Rural-to-Urban & Urban-to-Urban Migration", 1993 P.136



شکل ۲ عناصر مورد توجه در جهت تصمیم‌گیری برای مهاجرت‌های اختیاری

Source: R.Paul Shaw, Migration theory and fact, 1975: P.6

۴) فقدان یکپارچگی اجتماعی؛

اریک آر. ویس Eric R. weiss همگام با سایر نظریه پردازان اقتصادی که بیکاری را اصلی‌ترین عامل مهاجرت معرفی کرده‌اند به تبیین جایگاه جذب نیروی کار متأثر از فشار موجود در مناطق روستایی می‌پردازد و سؤال می‌کند که آیا جویندگان کار بر عرضه‌کنندگان آن پیشی دارند یا این فرایند دارای مسیری متفاوت است؟ در بیان مفهوم «جذب Suction» جویندگان کار همواره در جستجوی کار و پیشی گرفتن از یکدیگرند، اما در بیان مفهوم «فشار Pressure» این نیروی کار است که برای یافتن کار که معمولاً کمیاب نیز هست صف آرایی می‌کند.

ویس معتقد است که با ترسیم شکل ۳ می‌توان این واقعیت را درک نمود که چگونه «مهاجرت‌های درون منطقه‌ای Inter-regional migration» شکل می‌گیرد.

در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم، با اقتصاد کشاورزی، فشار نیروی کار افزایش می‌یابد ($S > D$). با صنعتی شدن یک منطقه و جذب نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی حالت ($S < D$) رخ می‌دهد بدین ترتیب جذب نیروی کار از منطقه صنعتی و فشار نیروی کار در منطقه کشاورزی، مهاجرت درون منطقه‌ای نیروی کار را بین دو منطقه موجب می‌شود. در حقیقت منطقه با اقتصاد کشاورزی با «شبکه مهاجر فرستی Net sender of migrants» و منطقه صنعتی

به‌عنوان «شبکه مهاجرپذیر (Net receiver of migrants)» قلمداد می‌شوند (Weiss.Eric,1981:148).

شکل ۴ سطح عرضه (S) و تقاضای (D) کار را زمانی که جذب نیروی کار کوچک‌تر از تقاضا ($S < D$) به نسبت زمانی که جذب نیروی کار بیشتر از تقاضای آن است ($S > D$) نشان می‌دهد. فاوست و همکاران در مقاله «دلایل جابه‌جایی و رفتارهای مهاجرتی» به تشریح عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا / شهری می‌پردازند و معتقدند که از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر هستند (Fawcett.T,1982:109):

(۱) فشارهای اکولوژیکی؛

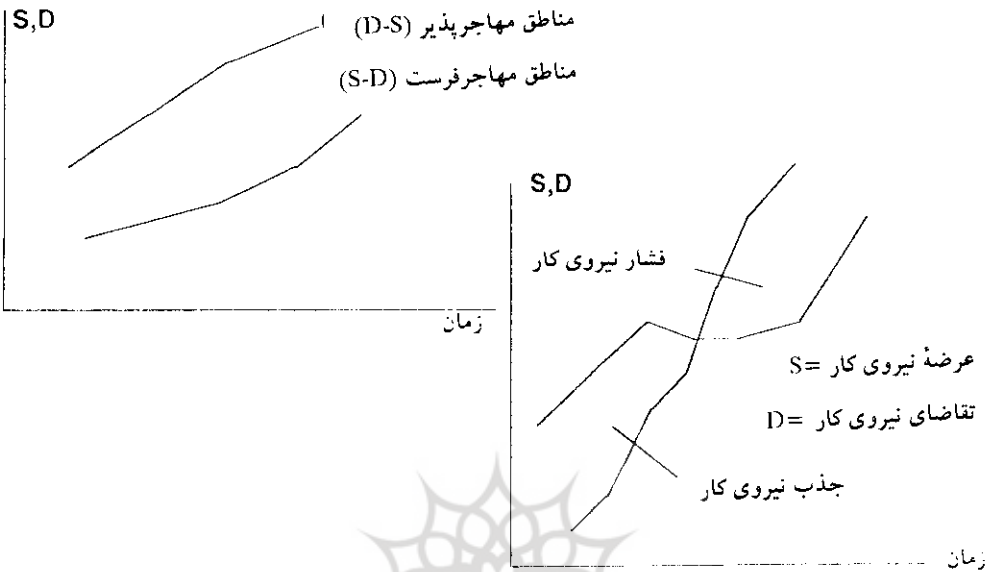
(۲) عوامل هنجاری؛

(۳) انگیزه‌های اقتصادی؛

(۴) انگیزه‌های روانشناختی.

وی آن‌گاه به ترسیم ماتریس هزینه - فایده مهاجرت می‌پردازد و ضمن تبیین سه مؤلفه «تصمیم»، «هزینه‌های بالقوه»، و «منافع بالقوه» مطابق جدول ۱ تصمیم به مهاجرت را تابعی از هزینه‌ها و منافع آن می‌داند.

فاوست همچنین معتقد است که بین دلایل و انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی با ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. بر این مبنا وی ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت را در هفت مؤلفه ثروت، منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل و استقلال، وابستگی، و اخلاقیات مطابق جدول ۲ خلاصه می‌کند و به تشریح هریک، از لحاظ انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری / اجتماعی می‌پردازد. جان کونل و همکاران John connell در نگرشی مشابه به فقر روستایی و تأثیر آن در مهاجرت‌های روستا/شهری پرداخته و معتقد است که ناکافی بودن درآمدهای حاصله از فعالیت‌های کشاورزی منجر به مهاجرت روستاییان و تحریک آنان به امر مهاجرت می‌شود. وی آن‌گاه به مطالعه موردی انجام شده در هندوستان می‌پردازد و اشاره می‌کند که در مناطق روستایی هند نرخ بالای مهاجرت با توزیع نامتعادل منابع (معمولاً زمین) همراه است. همچنین در هند میزان مهاجرت به میزان قابل توجهی تابع مالکیت زمین و نه میزان درآمد است. در این منظر افراد صاحب زمین انگیزه مهاجرت کمتری دارند. وی آن‌گاه به تحقیقات انجام‌یافته در باب



شکل ۳ عرضه و تقاضای بین منطقه‌ای کار
 شکل ۴ سطح عرضه و تقاضای نیروی کار
 Source: Eric.R.weiss, "class & rural exodus in chile, 1981, P.15"

مهاجرت‌های روستا/ شهری در پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه پرداخته و معتقد است که: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای مهاجران روستایی هیچ انگیزه‌ای برای مهاجرت وجود ندارد مگر «مهاجرت از ناامیدی» Migration of despair. در همان حال وی تصریح می‌کند: در بسیاری از مناطق روستایی مهاجرت از مناطق روستایی انعکاسی از «نبود فرصت Lack of opportunities» برای ایجاد درآمد است. جان کوئل و همکاران معتقدند که نرخ مهاجرت از مناطق روستایی انعکاسی از عدم توازن فرصت‌ها بین مناطق روستایی با سایر مناطق است. فرصت‌های مالی و سرمایه‌گذاری و نبود آن‌ها در مناطق روستایی به‌خصوص برای جوانان که طالب فرصت‌های متعدد اجتماعی و اقتصادی هستند منجر به ایجاد انگیزه برای مهاجرت می‌گردد، تا خود را به نخبگان شهری پیوند زنند. بدین ترتیب مهاجرت می‌تواند تابعی از عوامل ذیل باشد:

(۱) مهاجرت ناشی از امر ازدواج

(۲) مهاجرت ناشی از «سیستم اجتناب (System avoidnce, migration)»: موقعیت اجتماعی مهاجر در روستا و در برابر سایر گروه‌های اجتماعی می‌تواند در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر واقع شود. در صورتی که سطح زندگی و موقعیت اجتماعی فرد در روستا نازل باشد ممکن است با مهاجرت از موقعیت قبلی خود جدا شود و موقعیت مناسب‌تری را کسب نماید.

جدول ۱ ماتریس هزینه - فایده مهاجرت

تصمیم	هزینه‌های بالقوه	منافع بالقوه
ن	<ul style="list-style-type: none"> - هزینه‌های حمل و نقل به سکونتگاه جدید - عدم اطمینان جهت یافتن شغل - نیاز به مسکن همزمان با جستجو برای شغل - تأمین غذا همزمان با جستجو برای شغل و مسکن - تأمین پوشاک - عدم تطابق با فرهنگ بیکانه و ایجاد سوء رفتار - زندگی در محیط بیکانه - نیاز به استفاده از زبان و اصلاح گفتار - نیاز به تغییر سنت (لباس، رفتار و...) (هزینه‌های مهاجرت) 	<ul style="list-style-type: none"> - دریافت دستمزد بالاتر - انتخاب شغل برحسب اولویتها و خواست فرد - اصلاح و تعمیر مسکن (کسب مسکن مناسبتر) - فرصتهای آموزشی بهتر برای فرزندان - دسترسی به مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی - زندگی اجتماعی جالبتر و مهیج‌تر - برخورداری از شرایط اجتماعی (عوامل کنش برای مهاجرت)
و	<ul style="list-style-type: none"> - دشواری یافتن شغل در ابعاد محلی - فقدان اشتغال مناسب در ابعاد محلی - سلطه و نفوذ بنیانهای خانوادگی - عدم رضایت از مناسبات اجتماعی در ابعاد محلی - عدم رضایت از مؤسسات ارائه دهنده خدمات در ابعاد محلی - عدم رضایت از نژاد، قوم و شرایط سیاسی محل (عوامل فشار برای مهاجرت) 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم گرانی مسکن - عدم گرانی غذا، انجام تفریحات - برخورد روزانه با خانواده و فامیل - برخورد روزانه با دوستان - زندگی در محیط‌های خانوادگی و ایجاد آرامش - برخورداری از منزلت اجتماعی - علاقه‌مندی به حفظ فرهنگ (گفتار، لباس و...) اطمینان شغلی (عوامل تعدیل کننده مهاجرت)

۳) «دوره گذار Rites of passage»: در این مفهوم مهاجرت به عنوان چرخه‌ای در زندگی که از طریق آن مهاجران و به خصوص جوانان خود را با شرایط جدیدی روبه‌رو می‌بینند تعریف می‌شود. از این منظر، جوانان، مهاجرت را مرحله گذار برای شروع یک زندگی جدید می‌دانند که در آن فرد آدابی را می‌آموزد که این آداب منجر به مهاجرت می‌شود. به عبارت دیگر بنا به تصریح مک‌اروین Mc Irvin تصریح دارد، مهاجرت مرحله‌ای از بلوغ اجتماعی برای جوانان است؛ به طوری که حتی در کشور تایلند کیز Keys اشاره دارد که: هر جوان روستایی مهاجرت را قسمتی از بلوغ خود برای صرف چند ماه یا چند سال برای کارکردن در مناطق شهری می‌بیند تا بار دیگر به روستا بازگردد.

۴) عوامل اجتماعی خارج از روستا: مطابق با نظریه «چراغهای روشن Bright light theory»، مهاجرت‌های روستا/شهری تابعی از وجود تسهیلات اجتماعی، به خصوص خدمات آموزشی در شهرها است. در این مفهوم «دنیای خارج Out side world» از روستا می‌تواند مفهومی حیاتی برای مهاجران جهت کسب «زندگی کامل Complete life» داشته باشد.

ام. لو Lu M. در سال ۱۹۸۸ در مقاله خود «ارتباط بین رضایت از محل سکونت و انگیزه‌های مهاجرت» به نقش نسبی رضایت افراد از محل سکونت خود پرداخته و تصریح می‌کند که مهاجرت و مکان‌گزینی مجدد، عملی هدفمند و عقلایی است که به صورت خودانگیخته در جهت اصلاح و یا حفظ کیفیت زندگی فرد مهاجر صورت می‌پذیرد. به اعتقاد وی عقلایی شدن مهاجرت، دو جنبه عام را منعکس می‌سازد (Lu, M, 1998: 1474-1479):

اول) افراد یا خانوارهای مهاجر، طرح از قبل تعیین شده آگاهانه‌ای برای خود ترسیم کرده‌اند.

دوم) افراد یا خانوارهای مهاجر انتظار دارند که مهاجرت، پیامدهای مثبتی را برای آنان به وجود آورد.

از این دیدگاه، مهاجرت، ابزاری در جهت حصول به «اهداف ارزشی Valued goals» است و از دلایل آن می‌توان به فشارهای موجود در سکونتگاه‌های روستایی به دلیل «عدم تطابق Lack of fit» بین نیازهای فرد مهاجر و امکانات موجود اشاره کرد. در این جهت مفهوم «رضایت از محل سکونت residential satisfaction» به طور نسبی موقعیت فرد مهاجر را در نوعی «آستانه استرس stress

جدول ۲ ارتباط موازی و هماهنگی بین دلایل و انگیزه‌های شخصی و خصوصیات ساختاری / اجتماعی با توجه به ارزش‌های موردانتظار از مهاجرت

ارزش‌های موردانتظار		انگیزه‌های شخصی		ویژگی‌های ساختاری / اجتماعی
	جذب	عدم جذب	کشش	عدم کشش (فشار)
ثروت	افزایش درآمد، ثروت و امنیت اقتصادی	گریز از فقر و دستیابی به امنیت اقتصادی	فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به مشاغل با درآمد بیشتر	فقدان کار، دستمزد کم و رکود اقتصاد منطقه‌ای
منزلت اجتماعی	بهبود منزلت اجتماعی و کسب احترام	رهایی از نداشتن منزلت اجتماعی و جستجوی نقش‌های جدیدتر	تحرك اجتماعی جهت کسب فرصت‌های بیشتر برای تغییرات	نبود انعطاف و کسب منزلت اجتماعی از طریق انتصاب
آسایش	سهولت و آسایش در زندگی	دوری جستن از محیط‌های خشن با کار فیزیکی سخت و مداوم	برخورداري از تسهیلات شهری، مشاغل اداری و خدماتی با ساعات منظم کار و دستمزد کافی	وجود زمینه‌های مرتبط با فقر روستایی و کاربرد بودن فعالیت‌های کشاورزی
تحرك	گرایش به فعالیت‌ها و تفریحات محرک و نیز جستجو برای کسب اسباب و آلات تفریح	اجتناب از کسالت و بی‌حوصلگی	تسهیلات عمومی، تنوع فعالیت‌ها، و جاذبه‌های شهری	سادگی و عدم تنوع زندگی روستایی و فقدان جاذبه‌ها
آزادی عمل و استقلال	آزادی انتخاب و استقلال فردی	رهایی از قیود و محدودیت‌های سنتی و رهایی از سلطه دیگران	ساخت اجتماعی غیرشخصی و گمنامی در شهر	کنترل‌های اجتماعی سخت به همراه نظارت دائمی خانواده و اجتماع
وابستگی	ارتباط با دوستان و پیوندهای عمیق با اجتماع به دلیل روحیه اجتماعی انسان	اجتناب از تنهایی و انزوای اجتماعی	دسترسی به افراد و گروه‌های اجتماعی	عدم دسترسی به افراد و گروه‌های اجتماعی
اخلاقیات	گرایش به سوی زندگی پرفیض توأم با اخلاقیات، توانمندی برای اجرای اعمال مذهبی	برهیز از زندگانی گناه‌آلود	پایین بودن نرخ جنایت، بیماری، فحشا، و سطوح بالای رفتارهای مذهبی	نرخ بالای جنایت، بزهکاری، جرایم مربوط به مواد مخدر، فحشا، دسترسی اندک به نهادهای مذهبی و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با مبانی اخلاقی

Source: T.Fawcett " Reasons for moving and migration behaviour" 1982:P.122

threshold قرار می‌دهد. به طوری که فرد مهاجر ابتدا قضاوتی ارزشی از وضعیت محل سکونت

خود به نسبت سایر مناطق انجام می‌دهد و آنگاه به سطح خاصی از رضایت دست می‌یابد. سطح رضایت به دست آمده عامل عمده برای تصمیم به مهاجرت خواهد بود. «لو» براساس تحقیقات به عمل آمده اسپیر Spear معتقد است که رضایت از محل سکونت مؤلفه کلیدی در جهت مهاجرت یا عدم مهاجرت روستاییان است. این رضایت تابعی از ویژگی‌های خانوادگی، ابعاد مکانی و نیز تابع «قراردادهای اجتماعی» Social bonds است. لذا رضایت نسبی از محل سکونت به عنوان یک عامل مداخله‌گر مستقیم عمل می‌کند و متغیرهایی چون سن، درآمد و سطح تحصیلات، غیرمستقیم در مهاجرت مؤثر واقع می‌شوند. همگام با «مدل اسپیر» محققانی چون لاندال Landale و گست Guest (۱۹۸۵) معتقدند که اگر چه سطح رضایت از محل سکونت دارای بالاترین اثر در ایجاد انگیزه برای مهاجرت است، اما پاره‌ای از عوامل ساختاری چون سن، تغییر بعد خانوار، میزان درآمد، مالکیت، و سیاست‌های دولت، اثرات قابل توجهی بر روی مهاجرت می‌گذارند. لو معتقد است که انگیزه‌های رفتاری برای مهاجرت تابع دو نوع اعتقادات است:

۱- اعتقادات رفتاری: Behavioral beliefs که در جنبه‌های فکری فرد نفوذ می‌کند و ترجیحات ذهنی فرد را شکل می‌دهد. مفهومی که توسط «دی ژانگ De Jong» و «فاوست» در سال ۱۹۸۱ به عنوان «قضاوت‌های ارزشی مورد انتظار Expectancy Judgment - ralue» فرد مهاجر تعریف شده است.

۲- اعتقادات هنجاری: Normative beliefs: اعتقادات هنجاری تصویر ذهنی است که فرد مهاجر درباره ادراکات خود از خانواده، دوستان، وابستگان، و محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند به دست می‌آورد.

بر مبنای این اعتقادات، نظریه شکل می‌یابد که در آن رفتار فرد مهاجر تابعی از انتظارات، گرایش‌های فکری و هنجارهای ذهنی است. مدلی که توسط لو به عنوان «نظریه عمل توام با منطقی Theory of Reasoned action» نامگذاری شده است.

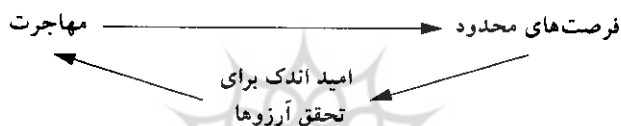
بر این مبنای تصمیم‌گیری برای مهاجرت سه مفهوم عینی را به ذهن متبادر می‌سازد:

۱) گرایش به مهاجرت تابعی از سطح انتظارات ارزشی فرد است. چنین گرایشی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که منافع مهاجرت می‌تواند از هزینه‌های آن پیشی گیرد.

۲) هنجارها و باورهای فرد مهاجر از مجموعه‌ای به هم تنیده به نام شبکه‌ها و قراردادهای اجتماعی شکل می‌یابد.

۳) اقدام به مهاجرت همواره تابعی از درک موانع موجود است. از این دیدگاه اگر افراد مهاجر تجربه موفقیت‌آمیزی از مهاجرت داشته باشند، تمایل می‌یابند تا مهاجرت کنند و به اهداف ارزشی خود نایل شوند.

در تقابل اندیشه‌های طرح شده در باب شناخت عوامل مؤثر مهاجرت‌های روستا/ شهری، ارائه نظریات ری.دی. بولمن و همکاران Ray D. Bollman از عمق بیشتری برخوردار است. آنان معتقدند که تصمیم برای مهاجرت از مناطق روستایی تابع چرخه ذیل است:



Source : Ray D. Bollman & al, "Rural Employment : an international perspective, 1997,P.115

وی آنگاه تصریح دارد که در سرتاسر دنیا به خصوص از زمان جنگ جهانی دوم، جوانان از نواحی دارای ویژگی‌ها و خصایص سنتی به نواحی با سطح نوسازی بالا، مهاجرت نموده‌اند. این مهاجرت نتیجه گرایش طبیعی آنان به ترک موطن خویش به دلیل پاسخگونبودن محیط زندگی به نیازهای متنوع آنان و کشش نواحی پررونق بوده‌است. گریز از مناطق روستایی در جهت کسب فرصت‌های بهتر به خصوص در میان جوانان تحصیلکرده که «فرار مغزهای روستایی» (Rural Brain Drain) تعریف شده است نتیجه منطقی این شعار است که: «شما بازنده خواهید بود اگر روستا را ترک نکنید You're loser if you don't leave».

مهاجرت برای «کسب موفقیت Exodus for success» متضمن این مفهوم ذهنی است که ارزش‌های سنتی اجتماعات روستایی با منطق «سادگی Square» در مقایسه با فرهنگ «مدگرایی hip» مناطق شهری، قادر نخواهد بود زمینه موفقیت ساکنان مناطق روستایی را فراهم آورد. «نبود فرصت No opportunities» و «نبود آینده No Future» منعکس‌کننده آراء جوانان

روستایی است که در شهرها پایگاه جدیدی برای خود یافته‌اند.

احساس فقر و پیدایش احساس بی عدالتی در تبیین عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی، زاویه دیگری است که پاره‌ای از محققان توسعه بدان پرداخته‌اند. از این دیدگاه گروهی فقر را به‌عنوان نوعی بیماری اجتماعی که معلول نظام و مناسبات اجتماعی و اقتصادی جهان معاصر است معرفی می‌کنند. احساس فقر یا احساس بی عدالتی یا محرومیت نسبی به اختلاف بین دو عنصر، توقعات ارزشی فرد و قابلیت‌های ارزش‌ظاهری محیط تعریف می‌شود. از این دیدگاه توقعات ارزشی شامل آن دسته از کالاها و شرایط زندگی است که مردم خود را به‌طور موجهی شایسته آن می‌بینند درحالی‌که قابلیت‌های ارزشی اموری هستند که بیشتر در محیط اجتماعی و فیزیکی یافت می‌شوند. از این منظر افراد همواره دارای انتظاراتی مشروعی هستند که در فکر به‌دست آوردن آنها هستند و اگر در جهت دستیابی به این انتظارات با موانعی روبرو شوند از خود واکنش نشان می‌دهند.

در ایجاد احساس بی عدالتی در فرد عوامل متعددی مؤثر واقع می‌شوند. در واقع احساس بی عدالتی نسبی در شرایط متفاوتی ممکن است به‌وجود آید. اما مهم‌ترین شرط بروز آن افزایش انتظارات است. معمولاً سرعت رشد انتظارات بیشتر از سرعت بهبود واقعی زندگی است و نتیجه این روند نیز بروز حالت نارضایتی است. افزایش انتظارات ممکن است به دو طریق در فرد به‌وجود آید:

اول) زمانی که فرد پیشرفت زندگی یک گروه را با وضعیت خود مقایسه کند.

دوم) فرد، نتیجه مقایسه را به‌عنوان معیار در زندگی خود به‌کارگیرد.

عامل دیگری که می‌تواند بطور قابل توجهی در افزایش انتظارات افراد مؤثر واقع شود شرایط خیز اقتصادی است. در این شرایط مردم دیگر به سهم خود قانع نیستند بلکه برعکس در پی بهترنمودن موقعیت خویش هستند. این شرایط زمانی حادث می‌شود که مردم در جامعه تبعیض و نابرابری شدید اجتماعی و اقتصادی را مشاهده کنند. در جامعه‌ای که دارای خیز اقتصادی شدید است عدم توجه به توزیع همگن درآمدها موجب شکاف در آمدی میان اقشار مختلف جامعه می‌شود یعنی سهم بیشتری از منافع ملی را قشر برخوردار جامعه به‌دست می‌آورد که این مهم منجر به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. در این حال

افراد یا گروه‌ها به فاصله بین آنچه دارند و آنچه فکر می‌کنند باید داشته باشند بیشتر توجه می‌کنند و دچار احساس محرومیت نسبی و در نتیجه نارضایتی از وضعیت خود می‌شوند. مهاجرت‌های روستایی در تبیین این نظریه جای ویژه‌ای دارد. زیرا افزایش انتظارها به خصوص در نسل جوان روستایی زمینه احساس فقر و بی عدالتی نسبی را در مناطق روستایی تشدید می‌کند. (رضوی، حسن، ۱۳۷۷: ۹۱)

بررسی‌های به عمل آمده در جهت شناسایی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/شهری، مبین این نکته پرمعناست که مهاجرت و دلایل آن از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظریه‌های مرتبط با هریک منشأ می‌گیرد. نظریه‌های اقتصادی مربوط به مهاجرت که توسط تودارو، و با اصلاحات «جان هاریس John.Harris» ۱۹۷۰، «ام.جانسون M.Johnson» ۱۹۷۱، «ار.سی.پورتر R.C.Porter» ۱۹۷۳، «کوردن و فیندلی Findlay & corden» ۱۹۷۵ و «فیلدز Fields» ۱۹۷۵ طرح شده است، بر این نکته تأکید دارد که مهاجرت در ابتدا در پاسخ به تفاوت‌های درآمدی مورد انتظار شهری و روستایی صورت می‌گیرد و این که نرخ شتاب گیرنده مهاجرت داخلی در چارچوب بیکاری فزاینده شهری در کشورهای در حال توسعه نه تنها پدیده‌ای قابل توجیه است بلکه از دیدگاه به حداکثر رسانیدن درآمد «مورد انتظار» شخص مهاجر، کاملاً منطقی است. این نظریه هنوز نیز به عنوان نظریه مورد قبول در متون مربوط به مهاجرت و توسعه اقتصادی مورد پذیرش عمومی است (تودارو، مایکل، ۱۳۶۷: ۶۵).

در این خصوص «ویلیام. جی. میلن» معتقد است که بدون شک، شرایط اقتصادی در رفتارهای مهاجرتی مؤثر است (Milne.J.William, 1993:377).

نظریه‌های اجتماعی نیز مهاجرت را تابع اعتقادات رفتاری و هنجاری و نیز سطح انتظارهای ارزشی فرد از مهاجرت می‌داند. در این بین محدودیت‌های کارکردی مناطق روستایی از ابعاد اجتماعی چون کسب منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل و اخلاقیات که خود تابعی از ابعاد روانشناختی مهاجرت است می‌توانند منجر به مهاجرت‌های روستا/شهری به خصوص در میان جوانان شوند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که می‌توان مهم‌ترین عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا / شهری را به استناد تحقیقات انجام شده در طی سال‌های گوناگون مطابق جدول ۳ بیان کرد.

جدول ۳ مهمترین عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا/شهری در متون توسعه

ردیف	نام محقق	عوامل شناسایی شده بعنوان دلایل مهاجرت روستا/شهری	سال
۱	گوستاولوبون، لوسین رومبه	آموزش و ارتقای سطح تحصیلات	۱۹۰۵
۲	میلن، امیل مانسو، بریتون	خدمت نظام وظیفه	۱۹۱۱
۳	هنری کلمان	آشنایی با شهر و دوری جستن از خدا	۱۹۳۳
۴	ساهوتا	اختلاف در میزان درآمد سرانه و تراکم جمعیت در مناطق روستایی	۱۹۶۹
۵	استیگلیتز، هاریس و تودارو	احتمال درگیر شدن با بیکاری و سوء بیکاری در مناطق روستایی	۱۹۷۰
۶	زلینسکی	شدت و درجه نوسازی جامعه با افزایش سطح توسعه یافتگی	۱۹۷۱
۷	آر.پل. شار	فشارهای اکولوژیک، سیاست‌های مهاجرتی دولت، هنجارهای انسان	۱۹۷۵
۸	شاکلا	تفاوت‌های درآمدی بین شهر و روستا	۱۹۷۶
۹	جان کوئل	ناکافی بودن درآمد، فاصله گرفتن از کشاورزی، ناامیدی و نبود فرصت، سیستم اجتناب دوران گذار، نظریه چراغ‌های روشن و کسب زندگی کامل	۱۹۷۶
۱۰	داسکوپتا	مهاجرت متأثر از حاکمیت فقر در روستا (مهاجرت ارمغان فقر است)	۱۹۸۱
۱۱	آلفردو ای. لیس	کاهش تولید، بهره‌وری و صادرات روستایی، مالکیت اراضی و رکود اقتصادی	۱۹۸۱
۱۲	هولزر	برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی که به وجود آورنده نوعی ساختار متحول کننده است	۱۹۸۱
۱۳	آریزپ	میزان بالای بیکاری، ارایه تصویر نادرست از مشاغل سنتی، مالیات‌ها و ادغام در بازارهای جهانی	۱۹۸۱
۱۴	گارسیا	پیشی گرفتن هزینه‌ها به درآمدها و ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای	۱۹۸۱
۱۵	اریک. آر. دیس	تبیین مفهوم جذب و تقاضای نیروی کار به دلیل صنعتی شدن شهرها	۱۹۸۱
۱۶	فاوست	فشارهای اکولوژیک، عوامل هنجاری، انگیزه‌های اقتصادی و روانشناختی	۱۹۸۲
۱۷	کلارک	عدم رضایت از محل سکونت و فقدان تطابق به نیازها و امکانات روستایی	۱۹۸۵
۱۸	راهودا	توزیع نابرابر زمین، میزان دسترسی به شهر، تجاری شدن کشاورزی	۱۹۸۶
۱۹	براون	تفاوت بودن سطوح توسعه در ابعاد منطقه‌ای	۱۹۸۷

۱۹۹۳	عدم تعادل فرصت‌های اقتصادی و تسهیلات رفاهی میان مناطق شهری و روستایی	هانت	۲۰
۱۹۹۳	ایجاد احساس بد به محیط زندگی روستایی	ونگ و همکاران	۲۱
۱۹۹۳	وجود سطوح متفاوت رفاه در سطح مناطق شهری و روستایی	چارتی	۲۲
۱۹۹۳	جستجوی فضایی کار و بالابودن نرخ بیکاری در مناطق روستایی	هرزوک و سابن	۲۳
۱۹۹۳	انتظارات ارزش و درک ارزشی از مهاجرت ناشی از تفاوت‌های شهری / روستایی	فیلدو هاسک	۲۴
۱۹۹۳	درآمد انتظاری، فاصله مبدأ تا مقصد، مسایل روحی و روانی از دیدگاه روان‌شناسی	داتیل شفر	۲۵
۱۹۹۶	مهاجرت برای کسب زندگی بهتر ناشی از تفاوت‌های درآمدی، امنیتی و شغلی	بیلزبارو	۲۶
۱۹۹۶	مهاجرت از روی اجبار و ناچاری به دلیل بسته شدن تمام راه‌های زندگی در روستا	جان اوکو	۲۷
۱۹۹۶	وجود عوامل فشار در مناطق روستایی و عوامل کشش در مناطق شهری	بوگ	۲۸
۱۹۹۷	احساس خسران در روستا ماندن، نبود فرصت برای پیشرفت و نبود آینده	ری.دی. بولمن	۲۹
۱۹۹۷	جستجو برای یافتن کار و فزونی نرخ بیکاری در مناطق روستایی	بورس	۳۰
۱۹۹۷	تفاوت‌های درآمدی بین شهر و روستا و نرخ بیکاری روستایی	بویل	۳۱
۱۹۹۸	تمرکز فضایی	آندره راجرز و جیمز ریمر	۳۲
۱۹۹۸	عدم رضایت از مسجل سکونت، کسب اهداف ارزشی مطابق نظریه فرار دادهای اجتماعی	ام. او	۳۳
۱۹۹۹	شکاف‌های موجود میان شهر و روستا	فنگ وانگ	۳۴

منبع: مهدی طاهرخانی با توجه به متون در دسترس

جمع‌بندی و آرایه احکام سنتزی

مطالعه سیر تکوینی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا/شهری مبین این معنا است که دیدگاه‌های متفکران و صاحب نظران توسعه در باب مهاجرت‌های روستا/شهری را می‌توان به

چهار دسته تقسیم کرد. (موسوی. محمد ۱۳۷۹: ۴):

۱ - نظریه‌های کلاسیک (کارکردی)

در این نظریه، مهاجرت عمدتاً نوعی تصمیم فردی تلقی می‌شود که دارای هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی و در همان حال منافع اقتصادی است. بر این مبنا هدف فرد از مهاجرت به حداکثر رساندن تفاوت میان ارزش فعلی، منافع حاصل از مهاجرت و هزینه‌های آن است. این نظریه که با عنوان نظریات کارکرد گرایانه نیز معرفی شده است، مهاجرت‌های روستا/شهری را کارکردی تلقی می‌کند و بر این اساس فرایند حرکت توده‌های روستایی به سوی شهرها را امری طبیعی ارزیابی می‌کند. بر این مبنا شهرها نیازمند نیروی انسانی‌اند و به واسطه این نیاز با نوعی عدم تعادل روبه‌رو هستند و مهاجرت در حقیقت واکنشی به این عدم تعادل است.

۲ - نظریه‌های مارکسیستی (وابستگی)

مهاجرت در چارچوب نظریه‌های مارکسیستی تابعی از شیوه‌های گوناگون تولید است. در این بینش تصمیم‌های مرتبط با تابع تولید که شامل عناصر کل مجموعه روابط تولید، توزیع، مبادله و مصرف است در مهاجرت‌های روستا/شهری مؤثر واقع می‌شوند. لذا این مفهوم تمامی نهادها، ساز و کارهای قانونی، ایده‌نولوژی سیاسی و خصوصیات مربوط به دولت را دربرمی‌گیرد. بر پایه این دیدگاه تسلط شیوه‌های تولید سرمایه داری و اضمحلال شیوه‌های قدیم تولید منجر به تأثیرگذاری بر نیروی انسانی در روستا می‌شود و مهاجرت به‌عنوان یک واقعیت نمایانگر می‌شود. بدین ترتیب که روابط سرمایه داری تولید کشاورزی به افزایش پولی شدن اقتصاد روستایی و اضمحلال بنیان‌های مادی اکثریت دهقانان می‌انجامد که این امر موجب مهاجرت روستاییان به بخش‌های شهری، صنعتی و خدماتی می‌شود. در تحلیل مارکسیستی بیکاری یک مشکل ساختاری و نشان‌گر اختلاف میان عرضه و تقاضای نیروی انسانی است که همزمان با تغییر در شیوه تولید یک نظام حادث می‌شود. از دیدگاه وابستگی مهاجرت به لحاظ با نابرابری در توسعه توجیه می‌شود و در این دیدگاه مهاجرت از یک سو

معلول توسعه نابرابر و از سوی دیگر عامل گسترش و تعمیق این نابرابری است. پس، از منظر این دیدگاه، مهاجرت، نه پویایی هدفمند و داوطلبانه، بلکه فرایندی است که از محدودیت‌ها و تنگناهای شغلی و سکوتی به وجود می‌آید و تابع عوامل تغییردهنده و عوامل رکودی در مناطق روستایی است.

۳- رهیافت سیستمی

از دیدگاه سیستمی مهاجرت نظامی اجتماعی - فرهنگی است که دارای خواص سیستم‌های باز است. بر این اساس مهاجرت به عنوان متغیری که در یک منظومه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جای می‌گیرد معنی می‌شود و هرگونه انفکاک آن از این ساختارها مانع شناخت و بررسی دقیق آن خواهد شد. در این رهیافت توجه نه تنها به مهاجرت بوده بلکه همچنین به نهادهای مختلف (خرده سیستم‌ها) و روابط اجتماعی دیگر چون سازوکارهای سازگاری معطوف می‌شود. در حقیقت رهیافت سیستمی از برآیند دو نظریه دیگر شکل گرفته و نواقص دو نظریه دیگر را از بین می‌برد. از این منظر یک سیستم موجب مهاجرت‌های روستا/شهری می‌شود. لذا مهاجرت نه صرفاً از عرضه و تقاضا ناشی می‌شود و نه از عوامل خارجی صرف؛ بلکه پویایی است در جهت تطابق با تحولات اقتصادی و اجتماعی. لذا مهاجرت ناشی از تأثیرات عوامل گوناگون است.

یکی از جاذبه‌های اصلی این رهیافت آن است که مهاجرت روستا/شهری را نه به عنوان حرکتی خطی، یک جهتی، رانشی، کششی یا علت و معلولی، بلکه به مثابه حرکتی دوری با وابستگی متقابل و پیچیده مورد نظر قرار می‌دهد که در آن، تغییر در هر قسمت می‌تواند بر کل سیستم اثر بگذارد.

۴- رهیافت معیشتی

رهیافت معیشتی حاصل دیدگاه انتقادی بر سه نظریه طرح شده است، از این دیدگاه در نظر گرفتن مهاجرت به عنوان یک رفتار منطقی که جنبه فردی دارد و یا به عنوان پدیده‌ای که متأثر از تغییر و تحولات کلان اقتصادی است خالی از اشکال نیست. صاحبان این دیدگاه بر این باورند

که در پدیده مهاجرت ما با افرادی روبه‌رو هستیم که مهاجرت را به عنوان راهبرد جهت بقا و استمرار معیشت خود انتخاب می‌کنند، بنابراین مهاجرت به هیچ وجه نمی‌تواند پدیده‌ای جدید و حاصل فرایند توسعه به معنای خاص خود باشد چرا که از دیرباز در جوامع انسانی جابه‌جایی‌های جمعیتی برای امرار معاش صورت می‌پذیرفته است. از این دیدگاه به مهاجرت به‌عنوان یک پدیده منفی نگریسته نمی‌شود که مقابله با آن ضرور و حتمی تلقی شود بلکه توجه باید بر این نکته معطوف شود که ریشه‌های پدیدآورنده چنین شرایطی مورد جستجو قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها و منابع

- ۱ - رضوی، حسن : «روستا؛ فقر، توسعه، مفاهیم رهیافتها و شاخصها» جلد اول، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۱، سال ۱۳۷۷.
- ۲ - زان پتیه : مهاجرت روستائیان، ترجمه دکتر محمد مؤمنی کاشی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۲۷.
- ۳ - فروهیده، مهروش : بررسی تأثیر کار جنبی بر درآمد و مهاجرت روستائیان داراب فارس در سال ۱۳۷۱، معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز، شماره مسلسل ۶۴، صفحات ۱۰۳.
- ۴ - موسوی، محمد - گنجیان، مهدی : نگاهی به مهاجرت‌های روستایی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهادکشاورزی، تابستان ۱۳۷۹.
- 5 - Bilborrow E.Richard (1996): "*Migration, Urbanization and Development: Direction and Issues*, united nations population fund publishers.
- 6 - Bures Regina.M (1997): "Migration and The Life Course : Is there a retirement transition?" *International Journal Population Geography*, Vol.3, PP.109-119.
- 7 - Charney.H (1993): "Migration and Public Sector: A survey, Alberta", *Regional Study*, Vol.27, No.4, PP.313-326.
- 8 - Connell John and al (1976): "*Migration from Rural Areas, The Evidence from village studies*, Delhi, Oxford university press, P.228.
- 9 - Fawcett T James & Al (1982): "Reasons for Moving and Migration Behaviour" *World Development*, Vol.10, No.4 , PP.98-129.
- 10 - Herzog W.Henry & Al (1993): "Migration as Spatial Job-search: A survey of Empirical Findings" *regional study*, Vol.27, No.4, PP.327-340.
- 11 - Hunt.L Gary (1993): "Equilibrium and Disequilibrium in Migration study Modelling" , *regional Study*, Vol.27, No.4, PP.341-349.
- 12 - Li Si-Ming & Siu Yat-Ming (1997): "A Comparative Study of Permanent and Temporary Migration in China: The case study of Dongguan and Meizhou", Guang Dong province, *International*

Journal of Population Geography, Vol.3,PP.63-82.

- 13 - I.u. M (1998): "Analyzing Migration Decisionmaking:Relationships between Residential Satisfaction,Mobility Intention,and Moving behaviour". *Environment & Planning A*,Vol.30,PP.1473-1495.
- 14 - Mohtadi. Hamid(1986): "Rural Stratification. Rural to Urban Migration .and urban Inequality :Evidence from Iran", *World Development*,Vol.14,No.6,PP.713-727.
- 15 - Morrill.R(1994): "Specific Migration and Regional Diversity",*Enviroment and Planning A*,Vol.26,PP.1699-1710.
- 16 - Paul Boyle & Jianfa Shen,(1993): "Public Housing and Migration:A Multi-level Modeling Approach", *Int.Jou.Popul.Geo*, Vol.3,P.277
- 17 - Rogers Andrei & Ramer James (1998): "The Spatial Focus of us Interstate Migration Flows", In *Jour of Popul. Geography*, Vol.4,PP.63-80.
- 18 - Shaw R.Paul (1975): *Migration Theory and Fact,A review and bibliography of current literature*",United Nations.P.202.
- 19 - Shefer.Daniel and Al(1993): "Rural-to-Urban & Urban-to-Rural Migration Patterns in Colombia", *Habitat International*, Vol.17,No.1,pp3-31.
- 20 - Wang Feng & Zuo Xuejin (1999): "History's Largest Labor Flow:Understanding China's Rural Migration", *The American Economic review*, May 3-5-.P.276.
- 21 - Wenk Deeann & Hardesty Constance (1993): "The Effects of Rural-to-Urban Migration on the Poverty Status of Youth in the 1980 s"*Rural sociology*, Vol.58,No.1,PP.76-96.
- 22 - Zax S.Jeffery (1994): "When is a Move a Migration? ",*Regional Science and Urban Economics*, *North, Holland*, Vol.24,PP.341-360.
- 23 - Zeghiche Anissa (1988): "Appraisal of Rural-urban Migration Determinants: A Case Study of Constantine", *Algeria TWPR*,10(11)